

من حکم ترا تو قف و مانعی نیست هر چه خواهی و حکم کنی همان شود با سابق است
در شان من حکم تو که از دست و هیچ تبدیلی و تغییر نیست آن حکم را عمل
نظم در حق من تقدیر تو سوال میکنم از تو بهر آنکه آن اسم ثابت است
ترا که نام نهادی تا آن اسم ذات خود را این عام است از نیز تقدیر خود را
فرو فرستد آن نام را در کتابی که قرآن است یا از جیب کنه که از کتاب است
خود یا تعلیم کرده آن نام کار را از مخلوقات خود در دنیا و ملائکه و اولاد
در کتابی که کتاب است یا در کتابی که اختیار کرده در علم غیب نزد خود
بهم آن نام که هر چه از تو غیب باشد پس برین حدیث است لالت است برین
کردار است استغاثت با اسم که بعد از اسم الله سوال میکنم از تو بهر آنکه آن
اسم را مفصله که بگردان قرآن مجید و با او راحت دل من چنانکه بهار است
ظهور نماید رحمت و حیات همین است صفای و معارف قرآن دل را مود
رحمت و حیات جاودان گردان پس تو که آن جعل مفعول دوم اسما است و مع
فعل مفعول دوم و بگردان قرآن عظیم را نمود در پیش چشم من در وقت
عین جان که در وقت تلاوت عین بهار دل من است و سینه در ودل
زبان سزده و بیور که اصل شفیع نیست در آن و موجب فیض و در دنیا
غم خود در من زیرا که هر که در استغاثت استغاثت میکند و در روز است
غم نیست بدل می و در بعضی نسخ حدیث است من تو هم بعد القومین
ای نفر تو او صفت تو ای دل و لاله آن کتب علمم الجبار را بگردان قرآن
مجید را سینه فرستاده و جمعیت خلافت من قال لا حول
ولا قوة الا بالله کانت که کلام من تسعة و تسعین

متن

داو

کدام استغاثت ها اللهم یعنی در صحیح مستدرک حکم از او هر چه خواهی
در هیچ که طر از آن غیر از دست و تقدیر تو سوال میکنم از تو بهر آنکه
صالح و لا قوة الا بالله یا در شان حکم با این کلمات بر آن کونین را در او بود
علاج از تو و نه در دست تو که آن برین آن در دوازدهم از جمله انوار
و در او از عدد و مکر که نیست نه کفر در این است بپور که کفر نبی را با
بپور خدا که نصف است با ما حسی که تو دونه است عظم است جسم
من لا اثم الا استغاثت من الله من الا استغاثت
حاصل آنکه که من کل صفتی من حجاب و من کل صفتی من حجاب و من
صفتی من حجابی که استغاثت من الله من الا استغاثت
از این صفتی من حجابی که استغاثت من الله من الا استغاثت
بپور که این در قافیه است فرج الله العجز کفره و ماله و صفتی من حجابی
من الله و الله العجز کفره و ماله و صفتی من حجابی
از این عباس رضی که رسول خدا را بنی حفظ نمود فرمود که لازم که در سبیل
ملازم است استغاثت را که از تقصیر هیچ اصرار نماید تبعیت یا بعد آن
تو برین که در سبیل می مرویست ترا از این عباس رضی که رسول خدا
شرط نشد و حفظ من اکثر فرمود ای که بسیار گفته از استغاثت تو را جعل
استغاثت هر چهار کس بر موزاویه متفق است درین که فرمود استغاثت از این عباس
که رسول خدا را بر کمرش حمل نمود برین لای قولی فرمود است ای سید و
خدا استغاثت را بپور که از هر شیء و ستمه است که هر کس در حجاب است برود آن
یا همان یا زمان هر دو آن استغاثت استغاثت روزی هر چند که از آن

مسح

د مس

۱۹۲

۳۱۰